

سناریوهای پیش رو بحران سوریه

حسین عباسی^۱، محمد شعبانی فرد^۲، عباسعلی سلمانی^۳

دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱۱

پذیرش مقاله: ۹۹/۰۲/۱۸

چکیده

بحران سوریه از بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه ژئواستراتژیک غرب آسیا است که توسط کشورهای منطقه و غربی با سوءاستفاده از موج بیداری اسلامی، تحت عنوان بهار عربی از مارس ۲۰۱۱ (اسفند ۱۳۸۹) با حمایت از نیروهای معارض داخلی و تندرو سلفی و گسیل آن‌ها به کشور سوریه، به وجود آمد؛ اقدامی که به آوارگی میلیون‌ها سوری، ویرانی زیرساخت‌های سوریه و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی شده است. با ملاحظه روند کنونی بحران و پیشران‌های مرتبط با آینده مطلوب (ممکن و محتمل) سناریوهای گوناگونی برای این بحران ترسیم می‌شود. در این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تبیینی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و آرشیوهای موجود، به تصویرسازی از این سناریوها پرداخته شد که با نتایج احتمالی برای مواجهه با آینده‌های ممکن تصویرسازی شده است. این تحقیق و پژوهش انجام‌شده نشان می‌دهد که هرچند انتخابات ریاست جمهوری سوریه با مشروعیت افزایی به نظام حاکم بر سوریه، زمینه‌های افزایش قدرت، مقاومت و مقبولیت آن نظام را در برابر گروه‌های معارض در سطح داخلی فراهم کرد اما ماهیت سیال بحران سوریه در معرض تأثیرپذیری از عوامل ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی نیز هست و مجموعه عناصر سطوح سه‌گانه (محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) نیز بر سرنوشت این بحران در آینده تأثیر به‌سزایی دارند.

واژگان کلیدی: بحران، انتخابات، ژئوپلیتیک، معارضان، سناریو، تثبیت نظام سوریه

۱. مربی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران abbasi201023@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۳. استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

غرب آسیا از دیرباز به اعتبار قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی که دارد به‌عنوان منطقه‌ای مهم و راهبردی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است. وجود منابع طبیعی نفت و گاز و... نیز موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیکی آن سبب شده تا همواره به اعتبار طمع قدرت‌های بزرگ دائماً مستعد مناقشه و درگیری باشد. به همین دلیل در طول تاریخ، این منطقه با جنگ‌ها و ناآرامی‌های زیادی روبرو بوده که با منافع کشورهای گوناگون جهان گره‌خورده است. طولانی شدن جنگ داخلی سوریه و آغاز هفتمین سال از چرخه مداوم خشونت و خونریزی در آن و تحولات دیگرش راه، در این رابطه می‌توان تحلیل کرد. سوریه از مهم‌ترین کشورهای منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود. تعلق آن به دنیای اسلام، قدمت تاریخی، تنوع قومی - مذهبی، ساخت سیاسی و اجتماعی و از همه مهم‌تر قرار داشتن در محور مقاومت و همسایگی با رژیم صهیونیستی اسرائیل و ضدیت با این رژیم، از جمله مؤلفه‌هایی است که دلالت بر اهمیت این کشور دارد. سوریه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی، محل تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا است که مزید بر این‌ها سه دین بزرگ (اسلام، مسیحیت و یهودیت) نیز در آن نقش‌آفرین بوده‌اند. تا پیش از روی دادن بحران در سوریه، این کشور از باثبات‌ترین کشورهای عربی و منطقه غرب آسیا به شمار می‌رفت. حکومت خاندان اسد در سایه برتری ایدئولوژی حزب بعث، سوریه را نسبت به کشورهای عربی دیگر از ثبات سیاسی و امنیتی بیشتری برخوردار کرده بود. پیوند حزب بعث و ارتش سوریه موجب چیرگی خانواده اسد بر بحران‌های داخلی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روابط نزدیکی بین دو کشور ایران و سوریه به وجود آمد. همپوشانی منافع و دیدگاه مشترک مسئولان دو کشور نسبت به مسائل منطقه‌ای و ناکامی‌های کشورهای اسلامی، از جمله دلایل نزدیکی دو کشور بود. روی دادن جنگ، بین ایران و عراق و منافعی که این جنگ در ابعاد گوناگون برای دولت سوریه داشت موجب شد تا سوریه در طول جنگ تحمیلی در کنار ایران و در برابر جبهه استکبار قرار بگیرد. پس از پایان جنگ تحمیلی، روابط راهبردی ایران و سوریه ادامه یافت. مرگ حافظ اسد و جانشینی پسرش به‌جای وی، نه‌تنها پیامدی منفی بر سطح روابط دو کشور نداشت بلکه برعکس موجب شد روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری شود، به‌گونه‌ای که برخی تحلیل‌گران معتقدند، نوعی پیمان راهبردی پنهان و عمیق بین دو

کشور منعقدشده است. از طرف دیگر سوریه، تنها بستر و امکان منحصر به فرد برای تقویت جبهه مقاومت و ارتباط با لبنان و فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی بود و از قبل از انقلاب اسلامی نیز سوریه تنها کشوری بود که بعد از جنگ شش‌روزه اعراب با اسرائیل، دشمنی با این کشور را به عنوان خط مقدم محور مقاومت حفظ کرد. همه این‌ها سوریه را مجاب می‌کرد که جمهوری اسلامی ایران فرصتی مغتنم برای تداوم این هدف به حساب آورد. با وقوع بیداری اسلامی در برخی کشورهای اسلامی و گسترش دامنه آن، غربی‌ها با سوارشدن بر این موج، فرصت را مغتنم شمرده با تحریک مخالفین سوریه و فراخوانی وهابیون از اقصی نقاط دنیا، نطفه توطئه خطرناکی را بنا نهادند و کشور سوریه را در آستانه یک فاجعه ملی قرار دادند. تحولات در سوریه و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای عملاً موجب شد بحران سوریه به بن‌بستی تبدیل شود که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت چشم‌اندازی برای پایان آن وجود نداشته باشد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به روابط راهبردی‌اش با حکومت سوریه، از ابتدا موضع ثابت و مستحکمی را در قبال این بحران اتخاذ کرد. دولت‌مردان ایران بر این باورند تحولات سوریه یک مسئله داخلی است که در چارچوب گفتگوی مخالفان و حکومت حل‌شدنی است و دخالت کشورهای دیگر، تنها به پیچیده‌تر شدن و افزایش دامنه خشونت‌ها کمک می‌کند. با طولانی شدن بحران در سوریه و دخالت‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، دو طیف از قدرت‌های منطقه و فرا منطقه در سوریه در مقابل هم قرار گرفتند. در این سو آمریکا و برخی از کشورهای غربی و بخشی از کشورهای عربی نظیر عربستان، قطر، امارات و برخی همسایگان نظیر ترکیه و اردن، در طیف مخالفان نظام سوریه و کشورهای چپ‌رو روسیه، چین، جمهوری اسلامی ایران، عراق و لبنان و ... در طیف حامیان نظام سوریه جای گرفتند.

بحران سوریه و چشم‌انداز آینده آن، از جنبه‌های مختلف بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد، از این رو ضرورت دارد سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه و پیامدهایی که این بحران می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

از آنجایی که کشور سوریه دارای موقعیت خاص ژئوپلیتیکی در منطقه است و برای مسئله فلسطین و محور مقاومت دارای جایگاه راهبردی است، به همین دلیل از ابتدای شروع بحران سوریه، تحولات این کشور به صورت مستمر از سوی کشورهای منطقه و جهان، رصد می‌شود

و بنابراین انجام مطالعه کنونی با عنایت به قرابت مواضع جمهوری اسلامی ایران و سوریه در محور مقاومت، مطالعه وضعیت بحران سوریه، اهمیت مضاعف دارد. انجام نشدن این مطالعه و غفلت از این مهم می‌تواند پیامدهای بعضاً غیرقابل جبرانی را برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که سناریوهای آینده بحران سوریه چیست؟

روش تحقیق

سؤال اصلی: سناریوهای آینده بحران سوریه چیست؟

فرضیه تحقیق (سناریوهای پیشرو): هریک از سناریوهای پنج‌گانه قدرت گرفتن هرکدام از بازیگران محلی با حمایت بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مانند بقای دولت سوریه و پیروزی آن بر مخالفین و... یا تداوم بحران می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی مهمی برای جبهه مقاومت و منافع جهانی و منطقه‌ای آن داشته باشد.

روش تحقیق: در این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تبیینی و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به تصویرسازی و تبیین هریک از سناریوها پرداخته شد و با این رویکرد که سناریوها، ابزاری مؤثر برای یادگیری نیز هستند. (لیندگرن، ماتس و یاندهولد، هانس، ۱۳۸۶: 38) یا اینکه سناریوها ممکن است برای یادگیری یا ایجاد تغییرات به کار گرفته شوند، به این واقعیت اشاره دارد که سناریوها قدرت بسیار بالایی در به چالش کشیدن پارادایم‌ها و مفروضات موجود در ساختار تصمیم‌گیری واحدهای تحلیل دارند. از این رو، سناریوها ابزاری بسیار قدرتمند برای به چالش کشیدن پارادایم‌های موجود و خلق دیدگاه‌های مشترک درباره‌ی آینده به شمار می‌روند. (علیزاده، عزیز، وحیدی مطلق، وحید و دیگران، ۱۳۷۸) لذا سناریوهای طرح‌شده به‌مثابه دامنه‌ای از انتخاب‌ها برای مواجهه با آینده‌های ممکن و سنجش پیامدهای آن انتخاب‌ها، با استفاده از داده‌های اسنادی و ژئوپلیتیکی و واقعیت‌های موجود و کیفیت حضور نیروهای بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی تحلیل و تبیین می‌شوند.

اطلاعات و داده‌ها

جغرافیای انسانی سوریه

سوریه کشوری متشکل از گروه‌های نژادی و قومیت‌های گوناگون است که بر اساس اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ جمعیت این کشور برابر با ۲۰'۵۸۱'۲۹۰ نفر می‌باشد. در این کشور

عرب‌ها ۹۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و دیگر کمینه‌های قومی از جمله کردها، ترک‌ها و ارمنی‌ها ۹٪ باقی‌مانده جمعیت را تشکیل می‌دهند. تراکم جمعیتی در سوریه از میانگین جهانی بیشتر است. بیش از ۱۸ میلیون از سوری‌ها در سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی، آمریکای جنوبی، شمالی و مرکزی و استرالیا زندگی می‌کنند.

جمعیت شهرنشین سوریه در سال ۲۰۰۶ میلادی، ۵۳٪ تخمین زده شده است. سوریه همچنین پذیرای گروه‌های زیادی از پناه جویان، در سده اخیر بوده است که از این میان می‌توان به پناه‌جویان فلسطینی پس از جنگ ۱۹۴۸ و پناه جویان لبنانی پس از جنگ درونی لبنان اشاره کرد. پناه‌جویان فلسطینی خود به‌تنهایی نزدیک به ۴۵۰'۰۰۰ نفر جمعیت دارند که در چند اردوگاه زندگی می‌کنند. به این رقم باید ۱'۵۰۰'۰۰۰ پناه‌جوی عراقی را نیز افزود که پس از اشغال عراق توسط آمریکا ناچار به ترک وطن شدند.

تقسیمات کشوری سوریه

جدول شماره ۱: تقسیمات کشوری

ردیف	نام شهر	نام استان	جمعیت
۱	حلب	حلب	۲۷۰۰۰۰۰
۲	دمشق	دمشق	۳۱۴۰۰۰۰
۳	دوما	حومه دمشق	۱۰۹۱۰۶
۴	حمص	حمص	۱۰۳۳۰۰۰
۵	لاذقیه	لاذقیه	۵۵۴۰۰۰
۶	حمه	حمه	۷۲۵۰۰۰
۷	طرطوس	طرطوس	۳۹۳۰۵۴
۸	رقه	رقه	۱۸۸۰۰۰
۹	دیرالزور	دیرالزور	۱۳۳۰۰۰
۱۰	سویداء	سویداء	۸۷۰۰۰
۱۱	حسکه	حسکه	۸۲۰۰۰
۱۲	درعا	درعا	۷۵۰۰۰

۵۵۰۰۰	ادلب	ادلب	۱۳
۳۷۰۰۰	قنیطره	قنیطره	۱۴

(<http://lahzehakhar.blogfa.com/post-2.aspx>)

- در نقشه‌های دولت سوریه استان ختای نیز که اکنون جزو خاک ترکیه است، خاک سوریه به شمار می‌آید.
- بلندی‌های جولان (به عربی: هضبة الجولان) که جزو خاک سوریه است، امروزه در تصرف اسرائیل است.

بحران و جنگ داخلی، جریان معارضان و پیشروی آن‌ها در سوریه

تحولات سوریه به دنبال بروز یک سری اعتراضات گسترده در سال ۲۰۱۰ میلادی در جهان عرب شکل گرفت که زمینه‌ساز تغییرات عمده در کشورهای غربی آسیا و شمال آفریقا گردید. اینکه تحولات سوریه را ناشی از موج بیداری اسلامی بدانیم یا نه بین صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد. ساخت قدرت در سوریه و شرایطی که طی چند دهه در خصوص آزادی‌های سیاسی و فعالیت جریان‌های سیاسی وجود داشت در کنار ناراضی‌هایی که در خصوص وزن سیاسی گروه‌های قومی مذهبی مختلف در تقسیم قدرت وجود داشت باعث شده بود تا زمینه گسترده‌ای برای ناراضی‌تی از حکومت سوریه وجود داشته باشد. وضعیت اجتماعی در سوریه به شکلی بود که نیروهای معترض به‌عنوان نیرویی بالقوه همواره دولت را تهدید می‌کردند. گروه‌های اسلامی، اکثر قریب به اتفاقشان سنی هستند و اکثریت جمعیت را در سوریه تشکیل می‌دهند، فرصت به وجود آمده در نتیجه موج بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا را مغتنم شمرده و موجبات تحركات گسترده‌ای را به وجود آوردند. این مسئله با نقش بین‌المللی حکومت سوریه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اعضاء مقاومت اسلامی در برابر اسرائیل بسیار مرتبط است. همچنین در این خصوص، نقش کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با عنوان کشورهای حامی و مخالف از اهمیت بالایی برخوردار است. (متقی، ۱۳۹۰: ۹) در سال ۲۰۱۱، با بالا گرفتن اعتراضات مردمی در جهان عرب، اعتراضاتی نیز در شهرهای مختلف سوریه نظیر حما، جبلة، دمشق، لاذقیه، درعا و حمص به وقوع پیوست که با سرکوب ارتش سوریه مواجه شد. تظاهرات پراکنده‌ای در شهرهای دیگر سوریه نیز به وقوع پیوست که در سه شهر حمص، درعا و حماه شدیدتر بود. بشار اسد در ابتدا در مورد این اعتراضات در رسانه‌های

سوریه نظری نمی‌داد؛ اما پس‌از آن که سرکوب‌ها توسط ارتش بالا گرفت و هم‌چنین در برخی شهرها بخصوص در شهر حمص قیام مسلحانه توسط ارتش آزاد سوریه علیه حکومت وی رخ داد، به مصاحبه با رسانه‌های دولتی سوریه پرداخت و منشأ این اعتراضات در سوریه را اسرائیل دانست، او اعلام کرد که با اقتدار در برابر این توطئه‌ها می‌ایستد. اتحادیه عرب پس از خیزش سوریه ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و عضویت سوریه در اتحادیه عرب را به حالت تعلیق درآورد. ارائه تصویری کلی از وضعیت کنونی نیروهای در حال ستیز در سوریه، با حرکت از منتهی‌الیه راست به چپ، صف‌بندی نیروها را چنین می‌توان خلاصه کرد:

جریان معارضان در سوریه

جریان معارضان داخلی در سوریه

طیف معارضان سوریه بسیار متنوع بوده و همین امر امکان تهیه الگو و مدل واحدی برای طبقه‌بندی و شناخت دقیق آن‌ها را بسیار دشوار می‌سازد. به‌رحال آنچه در این‌بین بدیهی می‌نماید این واقعیت است که صحنه‌گردان و فعالان اصلی اعتراض در سوریه نیز همانند سایر کشورهای عرب دستخوش بحران، جوانان هستند که به‌زعم خود در صدد اصلاحات و ایجاد زمینه به‌منظور نیل به آینده بهتر برای سوریه می‌باشند که خط‌مشی آن‌ها بر سه گونه: «نه به راه‌حل امنیتی»، «نه به مداخله خارجی» و «نه به خشونت»، تأکید دارد «نه» در مورد جریان معارض در سوریه و طیف تشکیل‌دهنده آن می‌توان از الگوهای بسیاری استفاده کرده و بر مبنای یک یا چند ویژگی خاص آن‌ها را طبقه‌بندی نمود. برای مثال در تحلیل‌هایی که به گونه شناسی طیف‌های اجتماعی دخیل در پویای سیاسی می‌پردازند، می‌توان به نقش مذهب، طبقه، ایدئولوژی، موقعیت جغرافیایی و غیره اشاره نمود. برخی از متداول‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی که از جریان‌های معارض به‌عمل آمده عبارت‌اند از:

- بر اساس موقعیت جغرافیایی: بر این اساس مثلاً می‌توان معارضان سوری را به معارضان داخل در خاک سوریه و معارضان خارج از مرزهای این کشور تقسیم نمود. همچنین دسته دوم در دو طیف ساکن کشورهای منطقه مانند؛ ترکیه، قطر، اردن، مصر و عربستان سعودی و ساکن غرب در اروپا و آمریکا قابل دسته‌بندی هستند.
- بر اساس سابقه و پیشینه مبارزاتی: می‌توان آن‌ها را به جریان معارض سال ۲۰۱۱ م و معارضان سنتی تقسیم‌بندی نمود. در همین راستا و با همین الگو می‌توان از یک‌گونه

تفکیک و گروه‌بندی دیگر نیز نام برد: معارضان سنتی حزب بعث دوران حافظ اسد و معارضان نوگرا در دوران بشار اسد. بر اساس انگاره‌های منبعث از آموزه‌های مذهبی: بر این اساس جریان معارض - متأثر از اسلام سیاسی، جریان اسلام رادیکال و نیز معارضان سلفی همگی گونه‌ای خاص از جریان معارض هستند که تحت تأثیر عامل مذهب وارد فرآیندهای سیاسی و اجتماعی شده‌اند.

• **بر اساس روش مبارزه:** بر مبنای شیوه عمل، روش‌های سیاسی بررسی‌شده و شیوه‌های دستیابی به اهداف را مدنظر قرار می‌دهد. بر این اساس می‌توان به معارضان مسالمت‌آمیز، معارضان مسلحانه و تخریبی، معارضان اصلاح‌طلب و معارضان برانداز در سوریه اشاره نمود.

• **بر اساس عامل ایدئولوژی:** بر مبنای این عامل که به نحوی هدایت‌گر عمل افراد بوده و واجد الگوی شناختی برای آنان است، می‌توان به پنج جریان معارض در سوریه اشاره نمود:

- شامل گروه‌هایی نظیر اخوان‌المسلمین، معارضان سلفی و جریان معارض اصلاح‌طلب اسلامی.

- جریان معارض چپ: این جریان متشکل از طیف متنوع گروه‌ها و جریان‌های متأثر از مارکسیسم و سوسیالیسم است.

- جریان معارض لیبرال و لائیک: در این جریان‌ها انواع معارضان پیرو مکاتب غربی وجود دارد. اغلب تشکلهای دخیل در این طیف غرب بنیاد بوده و دست‌کم در مراحل اولیه پیدایش در اروپا شکل گرفته‌اند.

- جریان معارض جدید: این جریان فاقد هویت ایدئولوژیک بوده و مبنای اعتراض و تعارض آن‌ها تاکنون مشخص نشده است. غالباً از جوانان فعال در بحران سال ۲۰۱۱ م بوده و از روش‌های نوین و ابزارهای ارتباطی برای بیان اعتراض و مواضع خود استفاده می‌کنند. حتی گاهی در تحلیل‌های گوناگون از آن‌ها به‌عنوان معارضان فیس‌بوکی و نه معارضان سنتی یاد می‌شود.

- جریان معارض عربی و ملی: این جریان متفاوت از ملی‌گرایان سوری است که در صفحات آتی بدان اشاره خواهد شد. جریان عربی و ملی معارضان، عمدتاً دل‌بستهٔ علقه‌های عربی و متأثر از ایده‌های پان‌عربیسمی و الگوی نظری ملت واحد اعراب بوده و منتقد جهت‌گیری‌های اسد در سیاست خارجی، یعنی دوری از جبهه ارتجاع و محافظه‌کار عرب و در عوض نزدیکی به ایران و محور مقاومت می‌باشد. طیف عناصر تشکیل‌دهنده این جریان نیز بسیار متنوع است.

• **بر اساس عامل نژاد و قومیت:** این جریان بر مبنای تمایزات قومی و نژادی میان گروه‌های مختلف هویتی شکل گرفته و بسط می‌یابد. برای مثال در سوریه می‌توان به معارضان کرد یا آشوری و سریانی اشاره کرد. علاوه بر گروه‌ها و سازمان‌های معارض ذکرشده در سوریه، شخصیت‌های مستقلی نیز در تحولات اخیر حضور دارند که واجد جایگاه در کل جریان معارض با دولت و همچنین دارای نقش در روند منازعه اخیر در سوریه هستند. همچنین در جریان تحولات ماه‌های اخیر سوریه برخی از جوانان فعال در مسائل سیاسی و امور مربوط به حقوق بشر در قالب گروه‌هایی به نام «تنسیقیات» (به معنای هماهنگی‌ها) سازمان‌یافته‌اند که گروه‌ها و احزاب سنتی سعی در استفاده از توان و ظرفیت آن‌ها دارند. به عبارتی دیگر صحنه‌گردان اصلی تحولات سوریه همین جوانان هستند که به‌زعم خود به دنبال اصلاحات و زمینه‌سازی برای آینده بهتر در کشور می‌باشند. در متن حاضر به‌منظور دستیابی به یک تقسیم‌بندی جامع از معارضان سوریه که تا حد امکان منعکس‌کننده سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد دخیل در بحران سوریه باشد، نسبت به تلفیق مدل‌های معارضان در این کشور اقدام شده و معارضان در دو طیف کلی داخلی و خارجی موردبررسی قرار گرفته‌اند. در این راستا جریان هماهنگی نیروهای تغییر ملی دموکراتیک در سوریه به‌عنوان بزرگ‌ترین جریان معارض در داخل سوریه و جریان شورای ملی سوریه به‌مثابه جریان اصلی معارض خارج از خاک سوریه موردبررسی قرار می‌گیرند.

جریان معارضان خارجی در سوریه

به‌طورکلی معارضان خارجی دولت دمشق در قالب شورای ملی سوریه شناسایی می‌شوند. رهبران این جریان بر این باورند که حدود هفتادتا هشتاد درصد از کل معارضان زیر چتر

گفتمان این ائتلاف بزرگ قرار دارد. جریان معارضان خارجی تحت حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین با استفاده از تسهیلات ترکیه و اعراب خلیج فارس شکل گرفت. شورای ملی سوریه پس از یک سلسله نشست‌ها شکل گرفت. اجلاس‌های منتهی به تشکیل این شورا عبارت‌اند از: نشست‌های استانبول ۱ و ۲ و همچنین اجلاس آنتالیا در ترکیه، نشست پاریس، نشست بروکسل، نشست وین، نشست قاهره و نهایتاً دو نشست در دوحه قطر. این شورا متشکل از سه جریان عمده سیاسی است:

- **جریان اخوان المسلمین:** که حدود ۴ دهه با حزب بعث و نظام سیاسی حاکم در سوریه درگیر بوده است. اخوان المسلمین در حوادث سال ۲۰۱۱ سوریه از امکانات قطر و عربستان سعودی به‌خوبی بهره‌مند شد. همچنین رهبران این جنبش در حال حاضر در پرتو توافقات خود با غرب عمل می‌کنند. تاکتیک مبارزه اخوان المسلمین در حال حاضر امتیازدهی به لیبرال‌ها و لائیک‌های معارض با دمشق است تا از رهگذر استفاده از پتانسیل آن‌ها علیه حاکمیت سوریه، پس از سرنگونی بشار اسد به مسند قدرت برسد. با بررسی ساختار رهبری این جریان درمی‌یابیم که رهبری اخوان المسلمین سوریه در انحصار اهالی شهر حماه است که در منازعه سیاسی و طایفه‌ای دهه هشتاد با حاکمیت حافظ اسد، نقش مهمی داشت. «محمد ریاض الشقیفه» (ابو حازم) ناظر عام (دبیر کل اخوان المسلمین سوریه). اخوانی‌های سوریه طی چندین ماه اخیر، با حمایت ترکیه، قطر و پشتیبانی اخوان المسلمین مصر در سازمان‌دهی و رهبری معارضان سیاسی و مسلح مخالف اسد، نقش مهمی داشتند (میشل، ریچارد، ۱۳۸۷: ۷).
- **جریان اعلامیه دمشق:** که در سال ۲۰۰۵ سازمان یافت و در پی تحولات ۲۰۱۱ دوباره احیا شد. حدود ۵ گروه و حزب در این جریان حضور دارند. این جریان خط‌مشی لیبرال و لائیک داشته و اغلب رهبران آن تابعیت آمریکایی و اروپایی دارند.
- **ائتلاف لیبرال‌ها و لائیک‌ها:** که در ماه‌های اولیه بحران در سوریه به ابتکار فرانسه سازمان یافت. غرب و متحدان منطقه‌ای آن مانند ترکیه، قطر و عربستان سعودی درصدد حاکم کردن این جریان در بنای آینده سیاسی سوریه هستند. چراکه طیف اخیر با مداخله خارجی در سوریه «هماهنگی ملی» که با مداخله خارجی در سوریه مخالف است در اصول و

سیاست در تضاد هستند. شورای ملی سوریه در تحرک دیپلماتیک خود تلاش دارد تا مشروعیت خود را از غرب و کشورهای منطقه به دست آورده و خود را به مثابه بدیل بشار اسد در آینده سیاسی سوریه معرفی کند. هرچند آمریکا، فرانسه، اتحادیه اروپا و ترکیه از تأسیس این شورا استقبال کرده‌اند؛ ولی شورای ملی سوریه هنوز مانند شورای انتقالی لیبی به رسمیت شناخته نشده است. بسیاری از گروه‌های معارض مانند گروه «مأمون الحمصی»، «رفعت اسد» و گروه «عبدالحلیم خدام» و جریان سلفی‌ها و جبهه النصره وابسته به جریان القاعده در سوریه، گروه اسلام‌گرای «توحید»، «طوفان شمال»، گروه «فاروق»، گروه مسلح موسوم به لشکر «طوفان شمال»، لشکر «احرار الشام» بزرگ‌ترین شبکه به اصطلاح جهادگرایان وطن‌پرست در سوریه و نیز مخالفان داخلی اسد هنوز این شورا را به‌عنوان نماینده خود به رسمیت نشناخته‌اند (یزید صایغ، ۲۰۱۲).

- **ارتش آزاد سوریه:** از دیگر گروه‌های معارض خارجی سوریه که مسلحانه است، می‌توان به جریان ارتش آزاد^۱ به رهبری سرهنگ «ریاض الاسعد» اشاره کرد. ارتش آزاد سوریه (FSA)^۲ اصلی‌ترین مخالفان مسلح دولت مرکزی سوریه است و از چندین دسته و گروه و گردان تشکیل شده است. این ارتش در ۲۹ جولای ۲۰۱۱ توسط افسران و سربازان فراری ارتش سوریه و برای عملیات نظامی و سرنگونی بشار اسد تشکیل شد. ریاض الاسعد و سرهنگ حسین هرموشی از عوامل اصلی و بنیان‌گذاران این گروه هستند. ژنرال مصطفی احمد شیخ نیز از فرماندهان اصلی این گروه است. تعداد افراد این گروه‌ها متغیر است. درحالی‌که تعداد افراد بعضی از این دسته‌ها فقط ۱۵ نفر است، بریگاد (تیپ) خالد بن ولید در منطقه حمص مدعی است که دارای ۳ هزار سرباز در قالب چهار گردان است. فرماندهی FSA در استان ختای در جنوب ترکیه قرار دارد و بیشتر واحدهای آن به‌صورت مستقل کار می‌کنند. درحالی‌که سطح پایینی از همکاری بین گروه‌های هم‌جوار وجود دارد ولی FSA به‌طورکلی به‌صورت شبکه‌ای از گروه‌های چریکی و نه به‌مانند یک

۱. جيش السوری الحر

۲. Free Syrian Army

ارتش در حال جنگ با دولت مرکزی است (کریستین ساینس مونیتر، ۲۰۱۲). هرچند این جریان به طور کامل از تجهیزات و تسلیحات غربی برای نبرد مسلحانه با ارتش سوریه برخوردارند، اما اختلافات شدید در بین این جریان را به سمتی هدایت کرده که نمی‌توان برای ناامنی در سوریه و جنگ با ارتش این کشور به آن‌ها تکیه کرد. از دیگر گروه‌های مسلحی که در بحران سوریه به ایجاد ناامنی می‌پردازند و تا حدودی نیز در مسائل این کشور بحران‌آفرینی کرده‌اند، می‌توان به جنگ جویان خارجی که در قالب گروه‌ها و سازمان‌های جهادی در سوریه فعال هستند، اشاره کرد. دولت سوریه نیز در گزارش‌های اعلامی خود درباره علل خشونت‌ها و بمب‌گذاری‌ها در شهرهای مختلف این کشور، به «گروه‌های تروریستی مسلحی» اشاره می‌کند که مورد حمایت عربستان سعودی و قطر هستند. دولت سوریه همچنین القاعده را در حوادث این کشور دخیل می‌داند. چندین بمب‌گذاری بزرگ در دو شهر بزرگ سوریه یعنی دمشق و حلب به یک گروه قبلاً ناشناخته به نام «جبهه النصره» نسبت داده شده است (تابناک، ۱۳۹۱). پیش‌ازین، ایمن الظواهری از مسلمانان خواسته بود به سوریه بروند و با دولت اسد بجنگند. درحالی‌که شواهد فراوانی از حضور افراد مسلح خارجی با انگیزه‌های مذهبی در سوریه وجود دارد اما حضور رسمی القاعده در سوریه هنوز تأیید نشده است. شواهد جدی نشان می‌دهد که جنگجویان خارجی از لبنان، عراق، اردن، تونس، الجزایر، عربستان سعودی و احتمالاً لیبی به سوریه رفته و به گروه‌های مسلح پیوسته‌اند. طی چندین ماه اول بحران در سوریه، بنیه انسانی و تسلیحاتی، شیوه تاکتیکی و ساختار جریان ارتش آزاد سوریه و گروه‌های مسلح محلی و سازمان‌های سلفی جهادی مستقل و یا وابسته به القاعده، شاهد تحولاتی شده و حمایت‌ها و کمک‌های همه‌جانبه کشورهای عربی و غربی نقش مهمی در تقویت و توسعه عملیات نظامی و ایذایی این جریان‌های مسلح داشته است. جریان معارض سوریه اعم از (داخلی و خارجی) با گذشت ماه‌ها از وقوع رخداد درعا، علیرغم استفاده از همه توان و ظرفیت تشکیلاتی و ساختاری خود هنوز در مورد اهداف و حتی خط‌مشی خود به اجماع نرسیده است که این امر نشان‌دهنده وجود اختلاف در رفتار و سیاست‌های گروه‌های معارض می‌باشد (Ihan Tanir CMEC, 2013).

موقعیت سوریه به لحاظ ترکیب مذهبی

«جمهوری عربی سوریه» با مساحت ۱۸۵/۱۸۰ کیلومترمربع، هفتاد و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت در جنوب غربی آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه است و از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از جنوب با اسرائیل و اردن و از غرب با لبنان و دریای مدیترانه، مرز مشترک دارد. کارشناسان سیاسی، به دلیل اهمیت فوق‌العاده سوریه در منطقه راهبردی غرب آسیا، این کشور را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان نامیده‌اند. آینده متفاوت از گذشته است. جمعیت ۲۳ میلیون نفری سوریه از نظر ترکیب دینی، ۷۴ درصد اهل تسنن، ۱۰ درصد مسیحی، ۲ درصد شیعه دوازده‌امامی - دمشق و بصری و روستاهای اطراف حمص و حلب، ۱۰ درصد علوی - استان‌های لاذقیه، طرطوس، حمص و اطراف مصیاف، حدود ۳ درصد دروزی - استان سویدا - و نزدیک به ۱ درصد اسماعیلی است. از نظر جمعیت‌شناسی قومی، ۹۰ درصد مردم سوریه عرب، ۹ درصد کُرد و ۱ درصد از سایر قومیت‌ها است. (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۳)

تا قبل از شکل‌گیری بحران در سوریه، دست‌کم یک میلیون آواره عراقی و پانصد هزار فلسطینی نیز زندگی می‌کردند که همراه با کردها حدود ۷.۹ درصد کل جمعیت را شامل می‌شدند (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۵). ژئوپلیتیک سوریه به شکلی است که جایگاه راهبردی به این کشور بخشیده است؛ قرار گرفتن این کشور در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا باعث شده این کشور به‌عنوان یک بازیگر میان اروپای صنعتی و غرب آسیا به ایفای نقش پردازد. (آجرلو، ۱۳۹۰: ۵۶)

جدول شماره ۲: گروه‌های دینی در سوریه

دین در سوریه	
اهل تسنن	۷۴٪
شیعیان، علویان، اسماعیلیان	۱۳٪
مسیحیان	۱۰٪
دروز، یزیدیان	۳٪

(A Wary Easter Weekend for Christians in Syria, The New York Times)

سوریه کشوری است که از نظر ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار بالایی است زیرا؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک غرب آسیا، قرار گرفتن در کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل، همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. مسیر سوریه، وابستگی عراق و ایران را برای صادرات نفتی و گاز به خلیج فارس، کانال سوئز و حتی ترکیه تقلیل می‌دهد. طرطوس و باناس می‌توانند بندرها مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشند.

• وجود اندیشه‌های نیرومند محلی گرا

در سوریه سنت خودکفایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محلی موجب تحکیم وفاداری‌های محلی در برابر سیاست‌های ملی شده و از اهمیت بسیاری از مسائل مربوط به رشد کاسته است. در این کشور ۱۲ مرکز محلی وجود دارد که هر کدام از یک شهر با حداقل صد هزار سکنه و چند شهرستان بزرگ و ده‌ها روستا تشکیل شده و از یک پایگاه سنتی خودکفایی کشاورزی برخوردار است. یکپارچه نبودن هویت سوریه موجب آن است که احساسات و وفاداری‌های هر منطقه زمینه تحکیم همین نوع احساسات را در مناطق دیگر فراهم آورد و بدین‌سان اندیشه‌های محلی کماکان ماندگار شود. (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۹)

• تغییرات مرزی: به‌عنوان یک معیار تعیین‌کننده در ناسیونالیسم سوری

دومین عامل ژئوپلیتیکی وجود ابهام در ارائه یک تعریف دقیق از موجودیت سوریه است. به‌طور کلی سوریه در مهروموم‌های قبل از جنگ جهانی اول، میان دو جنگ جهانی و پس از استقلال سه هویت مختلف سیاسی و جغرافیایی داشته است. این کشور قبل از جنگ جهانی اول، یکی از استان‌های امپراتوری عثمانی شامل اردن، فلسطین و لبنان کنونی محسوب می‌شد. پس از جنگ این مناطق به بخش‌های انگلیسی و فرانسوی تقسیم شد. در میان دو جنگ سوریه به همراه لبنان، استان اسکندرون تحت سرپرستی فرانسوی‌ها قرار گرفت. در سال ۱۹۳۹ میلادی، استان اسکندرون به‌وسیله سربازان ترک به رهبری آتاتورک اشغال شد و این اشغال هیچ‌گاه مورد قبول سوریه قرار نگرفت.

1. Syrian ports

• اهمیت وفاداری‌های فوق ملی

سومین عامل ژئوپلیتیکی را تناقض میان ناسیونالیسم سوری و سرزمین سوریه تشکیل می‌دهد. تغییر مرزهای جغرافیایی سوریه در قرن بیستم زمینه رشد هرگونه ناسیونالیسم یکپارچه و پرمغز را از میان برد و شعور سیاسی سوری‌ها را قبل و بعد از استقلال بر وفاداری‌های محلی و یا ماورای ملی قرارداد و شعارهای پان عربیسم بعثی و سوریه بزرگ را همزمان در کنار آرمان‌های محلی گذاشت. برای سوری‌ها مرزهای کشورشان هرگز حقیقی نبوده و هویت عربی از هویت سوری پرمعناتر است. در این شرایط اگر وفاداری به دولت مرکزی نباشد ممکن است سیاست‌های محلی جایگزین سیاست‌های ملی شوند. (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۵)

تغییر توازن قدرت جهانی و موضع غرب

با آغاز قرن ۲۱ قدرت امپراتوری ناتو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی روبه‌زوال گذاشت. حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، اجرای نظم نوین جهانی را شتاب بخشید؛ نظمی که بر اساس پروژه قرن جدید آمریکایی «جورج دبلیو بوش» (PNAC) قرار داشت که می‌گفت «شما یا با ما یا علیه ما هستید». ناتو برای اولین بار در تاریخ خود با استناد به ماده ۵ منشور و با بی‌توجهی به سازمان ملل متحد، برای حمله به افغانستان اقدام کرد. دو سال بعد، دوباره بدون تأیید سازمان ملل متحد، این امپراتوری (غرب) به عراق حمله کرد و این کشور را به اشغال خود درآورد. این امپراتوری (غرب) به سرعت درگیر باتلاق شد. سیاست‌های اقتصادی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی دچار رکود یا حتی کاهش شده است. در سرتاسر غرب، بحران پیداد می‌کند، آمار بیکاری بالااست، بدهی‌ها رو به افزایش‌اند. این در حالی است که وزنه اعتباری و نفوذ کشورهای دیگر «چین، هند، برزیل، ایران، آفریقای جنوبی و متحدانشان» در سطح جهان در حال رشدند (جونید خان، ۱۳۹۱، الف: ۶۶-۶۷). این پشت‌صحنه ایفای نقش بی‌امان ناتو و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در کوفتن بر طبل جنگ علیه سوریه و ایران است. بحران دوسویه‌ای که ایران و سوریه آن را تشکیل می‌دهند، ارتباط تنگاتنگ آن‌ها را نشان می‌دهد. در واقع ایران از طریق سوریه، مهم‌ترین متحد عرب و پل ارتباطی‌اش به سمت حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین است. با سرکار آمدن دولتی اسلامی در عراق، این دولت و دولت بشار اسد به‌مثابه پلی میان جبهه مقاومت و ایران به‌عنوان توانمندترین و سرسخت‌ترین

حامی این جبهه نقش اصلی را در ارتباط این دو پایگاه بازی می‌کنند. با حذف یا لااقل تضعیف دولت سوریه ارتباط ایران با جبهه مقاومت و دریای مدیترانه قطع یا دشوارتر و فرآیند تأثیرگذاری ایران در منطقه کندتر خواهد شد که این جایزه‌ای استراتژیک برای ایالات متحده و ارزشمند برای ریسک کردن است (rubin/2012).

بحران و درخواست‌های اصلاحی در درون نظام

نظام سوریه به دنبال این بود که با تغییر در قانون اساسی و اصلاحات سیاسی به خواسته مردم، جامه عمل بپوشد. خروج دولت از انحصار حزب بعث، تشکیل احزاب مختلف، مشارکت احزاب در قدرت سیاسی، اعطای آزادی بیان و مطبوعات و محدودیت مدت ریاست جمهوری برای حداکثر دو دوره هفت‌ساله با تأیید ۹۰ درصدی مردم در همه‌پرسی اسفند ۱۳۹۰، تغییری در نوع مبارزه ایجاد نکرد و اصلاحات بر کاهش ناآرامی‌ها تأثیر نداشت؛ زیرا (توطئه غربی عربی صهیونیستی) جریان محافظه‌کار عربی با همراهی غرب از آغاز بحران سوریه، ارسال کمک‌های مالی و انتقال سلاح به داخل سوریه از طریق لبنان (در مرز غربی سوریه و به حمص) و اردن (در مرز جنوبی سوریه و به درعا) شروع شد که این امر بر عمق بحران افزود. در این ارتباط، می‌بایست به نقش عربستان سعودی نیز اشاره نمود که سلفی‌ها را در حمص و حماه سازمان‌دهی کرده است. نتیجه آنکه، مسئله سوریه نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا خواهد داشت. به طوری که تغییر جهت سیاست خارجی سوریه به سوی جریان محافظه‌کار عربی موجب تغییر آرایش سیاسی نیروها در منطقه خواهد شد. از این رو، بحران سیاسی سوریه بیش از هر چیز نتیجه مداخله قدرت‌های خارجی در محور محافظه‌کار عربی است و مخالفین، مبارزه مسلحانه را تنها راه مبارزه علیه نظام برای ساقط کردن آن می‌دانستند؛ بنابراین اصلاحات و مبارزه از درون نظام نتوانست تغییری در نوع مبارزه بدهد و سوریه به عرصه جنگ نیابتی کشیده شد. (اسدالهی، ۱۳۹۱)

جدول شماره (۳): مراحل بحران سوریه در ۱۴ ماه نخست

دوره اول	از ابتدای بحران در اواخر اسفند ۱۳۸۹ تا شهریور ۱۳۹۰، تلاش مخالفان برای کشاندن مردم به خیابان‌ها به دلیل عدم مشارکت طبقه متوسط و ترکیب جمعیتی پیچیده سوریه، با شکست مواجه شد.
دوره	شهریور ۱۳۹۰ تا اسفند ۱۳۹۰، اجرای تاکتیک حمله مسلحانه و اجرای فاز

دوم	عملیات نظامی، تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب و اعزام ناظران
دوره سوم	از سال ۱۳۹۱ عملیات نظامی، آغاز شد. مخالفان وارد فاز ترور، بمب‌گذاری، عملیات انتحاری و ربایش شدند، تلاش برای تصویب قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت ناکام ماند، کوفی عنان به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل و اتحادیه عرب طرح شش ماده‌ای خود را ارائه کرد

اوج‌گیری بحران و اطمینان مخالفان به تغییر نظام

مشخصه اصلی این مرحله، باور مخالفین به سقوط نظام سوریه و بدیل سازی برای دوران پس از بشار اسد بود. این باور به دو دلیل ایجاد شد:

۱. تلاش مخالفین برای کسب مشروعیت بین‌المللی و رسیدن به اجماع نظر برای پس از اسد:

پس از آغاز اعتراض‌ها و ناآرامی‌ها در سوریه، مخالفان دولت این کشور تلاش‌های زیادی را برای ایجاد ائتلاف‌های فراگیر و تشکیل نشست‌هایی به‌منظور ایجاد اتحاد و یکپارچه کردن اقداماتشان علیه دولت آغاز کردند اما چندان در این مسیر موفق نبودند. مخالفان دولت سوریه، مجموعه‌ای از گروه‌ها و افراد مختلف هستند که گرچه همه در مخالفت با دولت هم‌صدا هستند اما شیوه و ابزارهای مخالفتشان باهم بسیار متفاوت بوده است. برخی از ضرورت تغییر مسالمت‌آمیز در سوریه سخن می‌گویند و در این راه حتی گفت‌وگو با دولت سوریه را نیز به‌عنوان یک گزینه مقبول می‌دانند و برخی دیگر اما گفت‌وگو با دولت را خیانت می‌دانند و تنها ابزار خروج سوریه از وضعیت کنونی را براندازی دولت با ابزارهای نظامی می‌دانند. عده‌ای از ضرورت دخالت کشورهای خارجی در بحران سوریه و پشتیبانی خارجی‌ها از مخالفان دولت سخن می‌گویند و برخی دیگر دخالت خارجی را باعث بحرانی‌تر شدن وضعیت می‌دانند. بعضی، فعالان مخالف دولت در خارج از سوریه را متهم به نداشتن نگاه واقع‌بینانه و تلاش برای مصادره‌ی به‌زعم آن‌ها انقلاب مردم سوریه می‌دانند و در مقابل بعضی دیگر، همه گروه‌ها از جمله خارج نشینان را دارای حق برای تعیین سرنوشت سیاسی آینده سوریه می‌دانند. این اختلاف‌نظرها طی بیست ماه اخیر ترکیبی ناهمگون از مخالفان دولت سوریه را ایجاد کرده که همواره یکی از دلایل اصلی در ناتوانی آن‌ها در رویارویی با دولت این

کشور بوده است که همچنان انسجام اداری و نظامی خود را حفظ کرده است. اصلی‌ترین و مشهورترین گروه سیاسی مخالف دولت در سوریه تاکنون "شورای ملی سوریه" بوده است. این شورا که خود متشکل از گروه‌های مختلف است، سال گذشته و با حمایت کشورهای غربی و عربی تأسیس شد. کشورهای مخالف دولت سوریه همزمان با افزایش فشار به دولت و سلب مشروعیت از آن، امیدوار بودند که شورای ملی بتواند به‌عنوان گزینه بدیل اصلی پس از سقوط احتمالی دولت کنونی سوریه، نقش ایفا کند. با این وجود گذر زمان، امید این کشورها را اندک‌اندک به یاس تبدیل کرد. انتقادهای شورای ملی کم‌کم تبدیل به فشار شد؛ فشاری که شورای ملی را به سمت تغییر در ساختار و تشکیلات خود و فراگیر کردن آن سوق می‌داد. در چنین وضعیتی بود که سنگ بنای نشست دوحه گذاشته شد. بر اساس توافق ۱۲ بندی که بین شرکت‌کنندگان در نشست دوحه به امضا رسید، ائتلاف ملی به‌عنوان مرجع اصلی مخالفان دولت سوریه معرفی شد. بر اساس یکی از بندهای توافق شده در نشست دوحه، پس از کسب مشروعیت بین‌المللی توسط ائتلاف، یک دولت موقت از دل این ائتلاف شکل خواهد گرفت. هنوز مشخص نیست که در شرایطی که هنوز مخالفان نتوانسته‌اند بخش‌هایی از خاک سوریه را به‌طور کامل در کنترل خود درآورند، دولت موقت چگونه می‌تواند، فعالیت کند. بر این اساس به نظر می‌رسد تشکیل دولت موقت، دست‌کم در وضعیت کنونی، اقدامی سمبلیک برای قدرتمند نشان دادن مخالفان است. گفته می‌شود یکی از دلایل طرح موضوع اعمال مدیریت یکپارچه در میان مخالفان مسلح، تلاش برای مهار گروه‌های شبه‌نظامی مسلح با گرایش‌های افراطی مذهبی بوده است. موضوعی که نگرانی برخی به‌ویژه کشورهای غربی را از قدرتمند شدن این گروه‌ها در آینده سوریه در پی داشته است.

(<http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx>)

۲. آینده بحران سوریه پس از انتخابات ریاست جمهوری:

در شرایطی که نظام سوریه خواهان گفتگو با مخالفان برای شنیدن صدای اعتراض آن‌ها و انجام اصلاحات موردنظر بود، در تابستان سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) گروه‌های مخالف سیاسی با حمایت قدرت‌های خارجی به توافقی دست یافتند. در ابتدا این گروه‌های مخالف در خصوص یک هدف که براندازی نظام بود اشتراک نظر داشتند ولی در خصوص شیوه مبارزه که مسلحانه باشد یا سیاسی، اشتراک نظر وجود نداشت. از همان زمان، هدایت رسانه‌ای

تحولات سوریه از طریق شبکه‌های الجزیره و العربیه به شکل کاملاً فعال انجام می‌شد و هزینه‌های عملیاتی، رسانه‌ای، تجهیزات و... از همان ابتدا توسط بازیگران خارجی که ترکیبی از کشورهای عربی، غربی و رژیم صهیونیستی بودند، پرداخته شد که کاملاً برخلاف جنبش‌های اجتماعی در کشورهای دیگر بود. به همین دلیل نیز گروه‌های مخالف با تحریکات خارجی، نهایتاً اقدام مسلحانه را به‌عنوان شیوه مبارزه انتخاب کردند. بر این اساس حتی اصلاحات سیاسی همچون دادن شناسنامه به کردهای منطقه «الحسکه» و پس‌از آن خارج کردن انحصار دولت از حزب بعث، ایجاد و تشکیل احزاب مختلف بدون علایق قومی، سهم کردن احزاب در قدرت سیاسی، حمایت از آزادی بیان و مطبوعات و محدود شدن طول مدت ریاست‌جمهوری برای حداکثر دو دوره هفت‌ساله نیز که با تأیید ۹۰ درصدی مردم در همه‌پرسی اسفند ۱۳۹۰ (مارس ۲۰۱۱) همراه بود، تغییری را در مواضع مخالفان وابسته به رژیم‌های غربی و مرتجع عربی ایجاد نکرد. این تغییرات در حالی صورت می‌گرفت که از همان ابتدا مشخص بود که تغییر در نظام سیاسی سوریه خواسته‌ای مردمی نبوده، بلکه این اقدام تلاشی برای تغییر معادلات منطقه‌ای به سود محور سازش و تضعیف محور مقاومت است. به همین علت این اصلاحات تأثیری بر کاهش ناآرامی‌ها نداشت چراکه مخالفین بر اساس دستور اربابان‌شان معتقد بودند که مبارزه مسلحانه تنها راه مبارزه علیه نظام برای ساقط کردن آن است؛ بنابراین اصلاحات که از آن به مبارزه‌ای درون نظامی یاد می‌شود نتوانست تغییری را در نوع مبارزه ایجاد کند و تحولات سوریه به عرصه جنگ نیابتی کشیده شد که بر اثر آن نظام سوریه در مقابل گروه‌های تروریستی تکفیری قرار گرفت که به نیابت از محور عربی-ترکی-غربی و صهیونیستی به سوریه گسیل شده بودند. در نهایت برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ۳ ژوئن ۲۰۱۴ از اهمیت فراوانی برخوردار بود. البته این اهمیت بیش از همه برای نظام سوریه و موافقین راهکار سیاسی نمود دارد، «ائتلاف ملی معارضین» نیز در موضع‌گیری غیرمنطقی، شرط برگزاری انتخابات را در نامزد نشدن بشار اسد اعلام کرده بود که با نامزد شدن اسد، این راهبرد نیز با شکست مواجه شد. در مقابل نظام سوریه با انجام برخی اقدامات همچون تشکیل دادگاه قانون اساسی و انتخاب سه نفر نامزد نهایی برای تصدی منصب ریاست‌جمهوری بدون در نظر گرفتن خواسته‌های معارضین مقدمات برگزاری

انتخابات را فراهم کرد؛ اما با وجود برگزاری این انتخابات، سناریوها و توطئه‌های امریکا ضد سوریه ادامه یافت تا در ابعاد جدیدی اهداف خود را دنبال کند.

(<http://arc.irib.ir/papersi>)

یافته‌ها (تجزیه و تحلیل و تبیین اطلاعات و واکاوی سناریوها)

سناریوی اول: تجزیه سوریه

زمینه‌های تجزیه مناطق کردنشین

در مقاطع مختلف جامعه علوی، اقدام به صدور بیانیه درباره تضعیف حقوق علوی از جانب حکومت ترکیه نموده است. (مرادیان، ۱۳۸۵، ۷۰ - ۶۹) وجود کمیته علوی حاکم در سوریه همواره از جانب حکومت سکولار ترکیه به‌عنوان یک عامل تحریک علویان کرد ترکیه که ۳۰ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند، برای ترکیه محسوب گشته و جامعه اهل تسنن این کشور از محرومیت نسبی جامعه اهل تسنن سوریه متأثر و اندوهناک می‌باشند. حکومت ترکیه همزمان با پشتیبانی از جامعه اهل تسنن سوریه حاضر به تجزیه سوریه به دو کشور علوی مذهب و سنی مذهب نمی‌باشد. چراکه یک دولت مستقل علوی در کنار شهر هاتای که در گذشته به نام اسکندرون و بخشی از سوریه بزرگ محسوب می‌شد. (ترکیه که جمعیت زیادی از علویان ترکیه را در خود دارد می‌تواند خطری برای تمامیت ارضی و مرزی ترکیه فراهم نماید.) دولت ترکیه نه‌تنها برای مسائل امنیت داخلی و پاسخ‌گویی به مطالبات پیشینه ترکیه در برابر محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه اهل تسنن کشور سوریه بر ضد دولت بشار اسد تلاش می‌نماید بلکه به دلیل موقعیت منحصر به فرد و اهمیت راهبردی خود در غرب آسیا خواستار رهبری و ایجاد نقش فعال‌تری در معادلات منطقه غرب آسیا است. سرنگونی نظام بعثی سوریه و به قدرت رسیدن اهل تسنن در سوریه می‌تواند امتیازات زیادی برای کشور ترکیه به ارمغان آورد. مهم‌ترین دستاورد برای دولت ترکیه برگشت یک میلیون آواره سوری است که مشکلات اقتصادی و امنیتی زیادی برای دولت ترکیه به وجود آورده است. از دستاوردهای دیگر در بعد داخلی عدم تحریک جامعه علوی از سوی حکومت جدید سوریه (با توجه به اینکه قدرت در اختیار سنی‌ها قرار خواهد گرفت) و در بعد خارجی ترکیه به‌عنوان یک کشور مهم تأثیرگذار در معادلات غرب آسیا مورد پذیرش قدرت‌های غربی و غیر غربی قرار خواهد گرفت. از طرف دیگر شاید قدرت گرفتن نژاد کرد در سوریه به دلیل

استقلال‌طلبی این نژاد در ایران و عراق موافق طبع کشورهای ایران و عراق در محور مقاومت نباشد. چراکه چنین فرضیه‌ای از دهه‌ها پیش از سوی کردهای ایران، عراق و سوریه و ترکیه در قالب کردستان واحد مدنظر بوده که پیچیدگی اوضاع منطقه ناشی از این تعدد قومیت و نژاد از یک سو و مباحث مذهبی از سوی دیگر می‌باشد. شکل‌گیری چنین موفقیت‌هایی برای کردهای سوریه کردهای ایران، عراق و ترکیه را نیز تحریک خواهد کرد شاید قدرت‌های بین‌المللی همچون امریکا و متحدین اروپایی‌اش با این فرضیه موافق باشند و در این جهت از محور مقاومت و معارضان آن ایران، عراق، ترکیه و سوریه مخالف آن بوده و چنین سناریوی را نمی‌پسندند.

سناریوی دوم: تشکیل دولت ائتلافی

آتش‌بس تا انتخابات

به‌موازات تکاپوی روسیه، ایران نیز برای حل بحران سوریه پا پیش گذاشته است. بسته پیشنهادی ایران نسخه تعدیل‌شده طرح قبلی تهران است که به سازمان ملل هم فرستاده شده است. جزئیات آن تشریح نشده اما شبکه‌های میداین مدعی شده که این طرح در چهار محور طبقه‌بندی شده است: الف) توقف فوری جنگ و آتش‌بس، ب) تشکیل دولت وحدت ملی، ج) اصلاح قانون اساسی و توجه بیشتر به گروه‌ها و طوایف سوری و د) برگزاری انتخابات تحت نظر سازمان ملل، طرح ایران مبتنی بر گفت‌وگوی داخلی سوری‌ها و صندوق‌های رأی است. نوسازی طرح ایران بلافاصله پس از مذاکرات هسته‌ای صورت گرفته است؛ زیرا در آن پرونده ثابت شده که مذاکره ابزار کم‌هزینه‌ای برای رقم زدن تحولات بزرگ است و این تجربه می‌تواند در مورد سوریه هم تکرار شود. همچنین ایران پس از مسئله هسته‌ای فرصت بهتری برای کمک به حل بحران دارد. افزون بر این، دو سال پیش نیز تکاپوی ایران و روسیه مانع از عملی شدن طرح حمله امریکا به سوریه شد. لذا دمشق به مقامات مسکو و ایران اعتماد بیشتری دارد.

تشکیل دولت ائتلافی

میخائیل بوگدانف^۱ بیان کرد: «مسکو به توافق‌های انجام‌شده در چارچوب گروه حمایت از سوریه و مفاد قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت پایبند است و از پیشنهاد بشار اسد، رئیس‌جمهوری

1. Mikhail Bogdanov

سوریه برای تشکیل دولت وحدت ملی حمایت می‌کند.» و «مسکو پیشنهاد ویژه اسد درباره تشکیل دولت وحدت ملی در آینده نزدیک را که شامل نمایندگانی از حکومت سوریه و مخالفان و برخی افراد مستقل است، تأیید می‌کند.» از نظر روسیه دولت ائتلافی، دولتی است که همه طرف‌های درگیر در بحران سوریه در آن حضور داشته و به تقسیم قدرت بپردازند. یکی از سناریوها در خصوص پایان بحران سوریه که در جریان نشست بین‌المللی ژنو مطرح شد، تشکیل دولت ائتلافی است. ایده تشکیل دولت ائتلافی از سوی روسیه مطرح شد، اما برخی بر این باورند که غرب نیز با تشکیل چنین دولتی در سوریه موافق است، اما برخی اختلاف‌ها در خصوص نحوه اجرای آن میان روسیه و آمریکا و میان مخالفین و نظام سوریه باعث شد کمتر به این ایده توجه شود.

(<http://www.ghatreh.com/news/nn30954311/>)

سناریوی سوم: تسلط ائتلاف ملی معارضین

شورای ملی سوریه^۱:

این ائتلاف یکی از اولین ائتلاف‌های معارضان سوریه بوده است که در دوم اکتبر ۲۰۱۱ با ۳۱۰ عضو شامل گروه‌های «جنبش انقلابی^۲»، «فراکسیون لیبرال‌های مستقل^۳»، «اعلان دمشق»، «سازمان آشوریان^۴»، «اخوان المسلمین سوریه»، «بهار دمشق^۵» و «فراکسیون ملی کردها»، «فراکسیون ملی^۶» و اشخاص معارضه‌گرا، تبعیدی و خارج‌نشین همچون جورج صبرا، برهان غلیون، عبدالباسط سیدا و میشل کیلو فعالیت خود را در استانبول با حمایت ویژه ترکیه و قطر و اکثر کشورهای غربی و عربی آغاز کرد. با تلاش ترکیه این شورا به‌عنوان رهبر سیاسی ارتش آزاد معرفی شد تا اقدامات نظامی با رهبری سیاسی اهداف ترکیه در سوریه را تأمین کند. در شورای ملی مخالفان جریان‌های مختلفی اعم از اسلامی، ملی، لیبرالی، قومی، سوسیالیستی و

۱. المجلس الوطني السوري

۲. الحراك الثوري

۳. كتلة المستقلين الليبراليين

۴. المنظمة الأثورية

۵. ربيع دمشق

۶. الكتلة الوطنية الكردية

۷. الكتلة الوطنية

حتی مستقل مردمی شرکت دارند؛ اما این جریانات به دلیل داشتن ایدئولوژی‌ها، روش‌ها، سیاست‌ها و همچنین برنامه‌های متفاوت با مشکلات زیادی به‌ویژه از لحاظ ایجاد انسجام و تعیین رهبری روبه‌رو بودند که هرروز موجب ضعف آن شده است. عموماً این شورا دارای نگاه بدبینانه به جمهوری اسلامی ایران بوده و بارها تلاش‌های دیپلماتیک کشورمان را در مورد حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه رد کرده است اما این امر شامل همه گروه‌ها و اعضای آن نمی‌شود زیرا برخی از آن‌ها به‌خصوص احزاب چپی و کردها در مواردی سیگنال‌های مثبتی را برای ایران ارسال نموده‌اند ولی به‌طورکلی نحوه برخورد آن با جمهوری اسلامی به سیاست‌های ترکیه بازمی‌گردد. هیئت هماهنگی ملی سوریه: در پی تشکیل شورای ملی سوریه و گزینش مشی نظامی آن برخی از گروه‌های کوچک و همچنین شخصیت‌های ملی‌گرا، چپ‌گرا و کرد مقیم سوریه و خارج از سوریه که بامشی نظامی مخالف بودند در حلبون در ریف دمشق در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ هیئت هماهنگی ملی نیروهای تغییر دمکراتیک سوریه^۱ را به ریاست حسن عبدالعظیم تشکیل دادند. این هیئت در اهداف خود اعلام کرد که خواهان تغییر نظام سوریه و کلیه وابستگان آن است ولی این تغییر باید از طریق مسالمت‌آمیز صورت بگیرد. هیئت هماهنگی سوریه سعی کرده مشی استقلال‌گونه خود را سیاست‌های خود حفظ کند و دارای روابط با کشورهای غربی و همین‌طور روسیه است و همواره در پی حل سیاسی بحران سوریه بوده است و تشکیل دولت انتقالی با حضور بشار اسد را برای تغییرات در سوریه را می‌پذیرد. هیشم مناع یکی از چهره‌های شاخص این هیئت است. اگرچه این هیئت تاکنون تمام طرح‌های جمهوری اسلامی ایران را برای پایان مسالمت‌آمیز بحران سوریه رد کرده است ولی به دلیل مشی مسالمت‌جو آن و برخی ارتباطات با روسیه، از زمینه مناسبی برای ایجاد ارتباط و برخی از همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران است.

(<http://www.alquds.co.uk/?p=240870>)

ائتلاف ملی سوریه^۲:

در پی بروز برخی اختلافات بین ترکیه و قطر در رهبری مخالفان سوری و همین‌طور بین اعضای شورای ملی سوریه و برخی از گروه‌های سیاسی و ارتش آزاد، با تلاش دولت قطر در

۱. هیئت التنسيق الوطنية لقوى التغيير الديمقراطي

۲. الائتلاف الوطني لقوى الثورة والمعارضة السورية

یازدهم نوامبر ۲۰۱۲ این ائتلاف با شرکت بیش از شصت گروه معارض سوری در شهر دوحه شکل گرفت و معاذ الخطیب را به عنوان رئیس این گروه انتخاب کردند و بعد از ایجاد ائتلاف بر سر رهبری محتاطانه الخطیب، اعضای ائتلاف ملی جورج صبرا برای ریاست این ائتلاف انتخاب کردند با تلاش قطر و کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه این گروه توانست حمایت اکثر کشورهای غربی را به دست آورد. این ائتلاف نیز به دلیل تنوع ایدئولوژی‌ها یک ایدئولوژی ثابتی نداشته است. این ائتلاف در سال‌های اول از سیاست‌های قطر و تا حدودی ترکیه پیروی می‌کرد اما بعد از تحولات در قطر (واگذاری قدرت پدر به پسر) و فعال شدن بیشتر عربستان و هماهنگی با ترکیه در بحران سوریه یکی از شیوخ قبایل سوریه به نام احمد الجربا نزدیک به عربستان به این پست انتخاب شد و این ائتلاف در جهت سیاست‌های عربستان قرار گرفت و حتی بعد از تغییر این شخص و انتخاب هادی البجره و خالد الخوجه این مشی وابستگی به عربستان در این ائتلاف ادامه پیدا کرده است. لازم به ذکر است به دلیل تنوع افکار و ایدئولوژی‌های این ائتلاف شاهد هماهنگی بین اعضا به هیچ وجه نبوده‌ایم به طوری که احزاب چپ‌گرا تمایل زیادی به همکاری با غرب ندارند و تمایل دارند با روسیه ارتباط برقرار نمایند احزاب اسلام‌گرا به ویژه اخوانی‌ها با عربستان مشکلات زیادی دارند و به دنبال تقویت روابط با ترکیه هستند به همین دلیل ما شاهد مواضع بعضاً متضاد از سوی این ائتلاف هستیم و این ائتلاف مواضع مثبتی نسبت به جمهوری اسلامی ایران ندارد و چشم‌انداز روشنی از روابط این ائتلاف با ایران وجود ندارد مگر تغییر رویکرد عربستان و ترکیه نسبت به این روابط.

در سومین سناریو، ائتلاف ملی معارضین است که در آبان ۱۳۹۱ باهدف وحدت مخالفان نظام سوریه تشکیل شد. این ائتلاف از گروه‌های مختلف «شورای ملی سوریه»، «کمیته هماهنگی ملی»، «گروه اعلامیه دمشق»، «انجمن استانبول» و برخی از فعالان کرد، اخوان‌المسلمین و لیبرال مخالف نظام بشار اسد، به ریاست احمد عاصی الجربا مدعی حکومت در سوریه تشکیل یافته است. ائتلاف ملی معارضین که خود را طرفدار مردم سوریه معرفی کرده است و اکنون جایگاه چندانی در تحولات نظامی و سیاسی سوریه ندارد، هدف نمادین خود را «رساندن صدای ملت سوریه به گوش جهانیان» و هدف عملی خود را سرنگونی دولت اسد، از بین بردن ساختار امنیتی، رفع مشکلات اقتصادی سوریه، گسترش مناسبات و توسعه مبانی سکولار

اعلام کرده است. این ائتلاف دارای ساختار حکومتی و نیروی نظامی تحت عنوان ارتش آزاد است.

سناریوی چهارم: فرسایشی شدن بحران سوریه کنترل حزب‌الله...

تاکتیک اول اسرائیلی‌ها، رژیم اسرائیل تلاش می‌کند تا با شیوه‌های گوناگون، حزب‌الله... را تحت کنترل درآورد. یکی از این شیوه‌ها به‌زعم خود، هدف قرار دادن کاروان‌های حمل تسلیحات برای حزب‌الله... از سمت سوریه است. این رژیم طی سال‌های اخیر به‌کرات اعلام کرده بود که تعدادی از مهمات را در این رابطه مورد هدف قرار داده است. تاکتیک دوم اسرائیلی‌ها، تلاش برای تعمیق و فرسایشی‌تر شدن بحران سوریه است تا حزب‌الله... با حضور بیشتر در آن، به‌اصطلاح در باتلاق سوریه گرفتار شود. به‌زعم اسرائیلی‌ها افزایش حضور اعضای حزب‌الله... در سوریه به معنای فارغ شدن این جنبش از مسئله مقابله با اسرائیل و در نتیجه، تلاش حزب‌الله... برای حفظ مرزهای امن با رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان خواهد بود؛ درحالی‌که این تجربیات (حضور حزب‌الله... در صحنه میدانی سوریه) در هرگونه نبرد زمینی آتی با اسرائیلی‌ها بسیار کاربردی خواهد بود. در همین رابطه، نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد منافع اسرائیل در تداوم جنگ فرسایشی سوریه است!^۱ (<http://www.al-akhbar.com/node/253811>) تاکتیک سوم، ترورهای هدفمندانه اعضای حزب‌الله... توسط رژیم صهیونیستی در لبنان، سوریه و دیگر مناطق جهان است. ترور تعدادی از نفرات حزب‌الله... در لبنان، طی سال گذشته که سمیر قنطار، عضو حزب‌الله... و قدیمی‌ترین اسیر این جنبش در اسرائیل که بعد از آزادی در سوریه مورد هدف اسرائیلی‌ها قرار گرفت، در این راستا قابل‌ذکر است. تاکتیک چهارم، تهدیدهای دوره‌ای اسرائیلی‌ها در حمله به لبنان می‌باشد. به‌عنوان مثال، آموس یادلین، رئیس سابق بخش اطلاعات نظامی اسرائیل طی مقاله‌ای اعلام می‌کند که اسرائیل باید طی پنج سال آینده، احتمال جنگ با حزب‌الله... لبنان را مدنظر خود داشته باشد. (یادلین، ۲۰۱۶)

دولت ضعیف سوریه:

۱. مصالح اسرائیل فی مستقبل سوريا

شروع بحران و درگیری در سوریه در حقیقت، بهترین ظرفیت و بدیل را برای انحراف موج بیداری اسلامی ایجاد کرد و بدین ترتیب، نه تنها رژیم اسرائیل از نوک پیکان خواسته‌های معترضان در کشورهای اسلامی کنار گذاشته شد بلکه بهترین شرایط برای تضعیف دشمن دیرینه‌اش یعنی نظام اسد پدید آمد. طبیعی است که راهکار استمرار و فرسایشی شدن جنگ، راهبرد مناسبی برای تضعیف بیشتر سوریه می‌باشد. آموس یادلین در این رابطه می‌نویسد: «اسرائیل باید خود را از لحاظ نظامی و سیاسی با این احتمال که سوریه دیگر یکپارچه نباشد و این جنگ چند سال دیگر طول بکشد، آماده کند.»^۱ به نظر می‌رسد در حال حاضر در میان اسرائیلی‌ها گزینه جنگ فرسایشی در سوریه، بیش از سقوط نظام اسد طرفدار داشته باشد. عربستان پس از مدیریت تحولات اعتراضی در محیط پیرامونی خود در یمن و بخصوص بحرین، از بحران ایجادشده در سوریه استفاده نمود و در واقع با افزایش نقش خود و اتحادیه عرب سعی نمود تا با تمرکز بر بحران سوریه به انتقال بحران از محیط امنیتی خود به دیگر کانون‌های بحران مبادرت ورزد. طولانی شدن روند تحولات اعتراضی و جنگ داخلی در سوریه، گسترده شدن تعداد بازیگران و سطح نیروهای مداخله‌گر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و به‌طور اساسی، فرسایشی شدن بحران در سوریه از فاکتورهایی است که در مجموع مطلوب سعودی‌ها بوده است. در واقع به دلیل اینکه سوریه حلقه اول پیرامونی عربستان را تشکیل نمی‌دهد، در نتیجه گستردگی بحران موجب خواهد شد تا سوریه به‌عنوان بازیگر تجدیدنظرطلب منطقه‌ای، نیروی مداخله‌گر در لبنان و فلسطین و متحد بالقوه ایران به شکل اساسی دچار فرسایش قوا و نیرو شده و مشروعیت داخلی و وجهه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را از دست بدهد که تحقق این موارد در راستای همان سیاستی است که مطلوب و مدنظر عربستان بوده، بدون اینکه به شکل مستقیم در بحران مداخله نموده یا حلقه اول پیرامونی‌اش دچار بحران‌زایی گردد (<http://hournews.me/news-55113.htm>).

فرسایشی شدن بحران سوریه:

از جمله سناریوهایی که از ابتدای بحران سوریه از آن به‌عنوان زنگ خطر برای آینده این کشور و منطقه یاد می‌شود، فرسایشی شدن بحران است. بر اساس این سناریو به دلیل اینکه طرفین،

توان حذف کامل دیگری را ندارند و حاضر به تعامل با یکدیگر در عرصه‌های سیاسی نیز نیستند، درگیری‌ها ادامه خواهد یافت. فرسایشی شدن بحران یکی از نامناسب‌ترین سناریوها برای مردم، نظام سوریه، مخالفان، منطقه و جهان است زیرا طرفین درگیر و حامیان آن‌ها به اهداف خود نخواهند رسید.

با توجه به وجود گروه‌های مختلف و وجود افکار سلفی، ملی‌گرا، سکولار و قومیت‌گرا به نظر می‌رسد در صورتی که نظام به پیروزی قاطع نرسد و یا گروه‌های مخالف به قدرت برسند، باید انتظار داشت که درگیری‌ها در سوریه میان گروه‌های مختلف ادامه داشته باشد، به نحوی که در حالت خوش‌بینانه این درگیری‌ها به صورت منازعات دائمی سیاسی و در حالتی بدبینانه به صورت منازعات مسلحانه خود را نشان دهد.

سناریوی پنجم: تثبیت نظام سوریه:

مقاومت دولت و ارتش سوریه:

باگذشت چند سال از جنگ علیه سوریه تحولات سیاسی و میدانی نبرد در سوریه به گونه‌ای پیش رفت که نشان داد دولت و ارتش سوریه در برابر ائتلاف معارضانی که تحت حمایت مالی و تسلیحاتی کشورهای غربی و عربی است مقاومت است و به دنبال شکست این سناریو، ائتلاف بین‌المللی مخالف بشار اسد به رهبری آمریکا با طرح سناریوی دیگری به دنبال دخالت نظامی برای یکسره کردن سرنوشت حکومت سوریه برآمدند تا جایی که جهان یک هفته پراشتهای را برای شروع عملیات نظامی ارتش آمریکا علیه سوریه پشت سر گذاشت اما درنهایت رئیس‌جمهور آمریکا حمله به سوریه را منوط به مجوز کنگره کرد. درنهایت توافق مسکو و واشنگتن برای نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه سایه جنگ را از سوریه دور کرد و تبوتاب آمریکا برای حمله به دمشق فروکش کرد. آمریکا به دلیل ناتوانی در حمله به سوریه هدف خود در سوریه را ۱۸۰ درجه تغییر داد. هدف غایی آمریکا ساقط کردن حکومت بشار اسد بود اما ناتوانی نظامی، لجستیکی و سیاسی این کشور باعث شد از تغییر حکومت سوریه به نابودی انبارهای شیمیایی این کشور رضایت دهد. تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا (باراک اوباما) در عدم حمله به دمشق و تردیدهای کاخ سفید همانند یک دومینو شکست‌های متوالی آمریکا در عرصه سیاست خارجی را به دنبال داشت تا جایی که می‌توان از آن به‌عنوان نقطه تثبیت افول هژمونی آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل یادکرد. درواقع سوریه نقطه عطفی در

تاریخ روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، جایی که نظام بین‌الملل از سنگینی سلطه یک‌جانبه آمریکا کاملاً شانه خالی کرد.

بقای اسد و برقراری ثبات و امنیت در سوریه:

بقای اسد و برقراری ثبات و امنیت در سوریه از سناریوهایی است که قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح و پس از انتخابات تقویت شد. تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، مخالفین نظام سوریه در تلاش بودند تا در دو جبهه سیاسی و نظامی به تقابل با نظام سوریه بپردازند. در جبهه نظامی سعی شد که از راه جنگ نیابتی یا همانند الگوی لیبی، غرب با پشتیبانی نیروی هوایی و مخالفین از راه زمین، زمینه‌های سقوط بشار اسد را فراهم کند. در عرصه سیاسی نیز تشکیل ائتلاف ملی معارضین به‌عنوان بدیلی برای نظام سوریه، به‌منظور تخریب و جبهه نظام سوریه در داخل و خارج این کشور صورت گرفت؛ اما پیروزی ارتش سوریه در نقاط مختلف کشور و عقب راندن نیروهای معارض از یک‌سو و عدم همراهی چین و روسیه در قطعنامه ضد سوری برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع از سوی دیگر باعث شکست راهبرد نظامی مخالفین نظام سوریه شد. انتخابات ریاست‌جمهوری نیز راهبرد مشروعیت‌زدایی مخالفان را به چالش کشید؛ زیرا در جریان این انتخابات، مردم با مشارکت بالا به‌نظام سوریه و بشار اسد رأی دادند که این مسئله گویای این حقیقت است که برخلاف نظر مخالفان، بشار اسد از محبوبیت بالا برخوردار است.

علاوه بر این، برخی اقدام‌ها و کنش‌های رفتاری از سوی بشار اسد نشان از تلاش و عزم نظام برای کنترل و بحران دارد. نظام سوریه با شناسایی عوامل بحران‌زا در عرصه نظامی در وهله اول سعی کرد از ریزش و کاهش توان ارتش جلوگیری کرده و در وهله دوم این ریزش‌ها را با نیروهای مردمی جایگزین کند. راهبردی که به امنیت‌افزایی نقاط حساس در سوریه کمک کرد.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار:

بحران سوریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های منطقه غرب آسیا در قرن بیست و یکم به‌حساب می‌آید که گستره آن منطقه وسیعی را در بر گرفته است. این بحران باعث شده است تا اکثر کشورهای دنیا با حساسیت تحولات آن را دنبال کنند. وجه اول: اینکه تصادم و تلاقی منافع قدرت‌های جهانی در سوریه باعث شده تا این چالش طولانی شود و آینده‌ای روشن

برای آن متصور نباشد. درگیری‌های دو جبهه اساسی یعنی روسیه، چین و محور مقاومت اسلامی با محور غرب، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و ترکیه باعث شده است تا این بحران ابعاد بین‌المللی و جهانی به خود بگیرد به همین دلیل می‌توان اذعان داشت که تحولات سوریه از این جهت با اهمیت است که آینده آن ترسیم‌کننده است. پرواضح است که در بحران سوریه دو ائتلاف بزرگ جهانی درگیر هستند که هرکدام تلاش می‌کنند تا با چیره شدن بر جبهه دیگر منافع خود را کسب کرده و حوزه نفوذ خود را گسترش دهند به همین دلیل چالش مفهوم قدرت در این بحران از پیچیدگی خاصی برخوردار است. وجه دوم بحران سوریه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بحث رادیکالیسم مذهبی در غرب آسیا است. همان‌طور که اشاره شد ظهور پدیده‌ای به نام بنیادگرایی در منطقه، جهان را وارد وحشی عمومی کرده است که هر آن بیم‌گسترش و آسیب‌زایی آن در اقصی نقاط جهان می‌رود. وجود رادیکالیسم سلفی در غرب آسیا باعث شده است تا دستاوردهای مدنی کشورهای درگیر که طی سالیان متمادی به دست آمده بود آسیب ببیند و آینده منطقه به بحران کشیده شود.

لذا آنچه موجب تداوم بحران سیاسی کنونی سوریه شده است، مداخله‌های خارجی است. البته، لازم به ذکر است که سوریه تاکنون از اصل بحران عبور کرده است؛ بنابراین، دو عامل منطقه‌ای و بین‌المللی بر عامل داخلی در جهت حاکم شدن وضعیت سیاسی جاری سوریه اولویت دارد؛ بنابراین، استقرار ثبات در سوریه از طریق تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، راهکار سیاسی، اصلاحات، گفتگوهای ملی - حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه - که مورد توافق هم مردم و هم دولت سوریه است، حاصل خواهد شد و در نتیجه بحران ژئوپلیتیک سوریه از الگوی خاصی بهره می‌برد. الگویی که محصول هماهنگی مالی و لجستیکی جبهه غربی - عربی - ترکی برای ایجاد چالش است. بر همین اساس، توجه به نکات زیر گویای ابعاد بحران سوریه است:

- ۱- بحران سوریه، خودانگیخته نبود، بلکه با دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایجاد و تداوم یافته است.
- ۲- حکومت بشار اسد به دلیل اتخاذ مواضع مبارزه‌جویانه در قبال رژیم صهیونیستی و حمایت از جریان‌های مقاومت در فلسطین و لبنان از حمایت ملی و منطقه‌ای بهره می‌برد.

۳- بحران سوریه، مراحل اصلاحات، تحرکات نظامی و تلاش برای ثبات را داشته است که پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، نظام سوریه سعی می‌کند تا اوضاع را به سوی ثبات پیش ببرد.

۴- تحولات سوریه در شرایط کنونی حالت سیال به خود گرفته و هرروز بعد جدیدی به آن افزوده می‌شود که در شرایط جاری، پیشروی ارتش سوریه با حمایت کشورهای حامی است.

۵- باگذشت چند سال از جنگ علیه سوریه و تحولات سیاسی و میدانی نبرد تثبیت نظام سوریه مشخص تر می‌گردد.

۶- نتیجه این بحران هرچه باشد:

الف- جهت گیری اصلی سیاست خارجی ایران را برای آینده مشخص خواهد کرد.

ب- رابطه سیاسی ایران با ترکیه، عربستان، روسیه و لبنان را رقم خواهد زد.

ج- توازن درک و فهم سیاست در غرب آسیا بین ایران و آمریکا و نهایتاً اسرائیل را روشن می‌نماید.

د- رابطه بین ایران و عراق را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

فهرست منابع:

الف- منابع فارسی

- لوئیژا دیمارکو، ۱۳۹۲. جهنم واقعی، جنگ شهری از استالینگراد تا عراق، ترجمه: سیدعلی موسوی، انتشارات نسل روشن.
- آجرلو، حسین، (۱۳۹۰)، تحولات سوریه ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم.
- اسدالهی، مسعود (۱۳۹۱)، فاز سوم بحران، ماهنامه سیاسی تحلیلی همشهری دیپلماتیک، شماره ۶، خرداد.
- امیدی، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، عثمانی گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدها آن در غرب آسیا، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم.
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۲)، تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

- جونید خان، (۱۳۹۱)، امپراطوری در مقابل ایران و سوریه: جنگ جهانی جدید برای نظم نوین جهانی؟ علوم سیاسی، سیاحت غرب، شماره ۱۰۸
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۸ و ۵۹.
- د. الیاس، جبرائیل، الجبور، (المحافظات السوریة)، اصدار الهيئة العامة للبيدات والمدن، عام ۲۰۰۷ للمیلاد.
- شامی، یحیی، (۱۹۹۳)، موسوعه المدن العربیة والاسلامیة، دارالفکر العربی، بیروت.
- عزیزه، عزیز؛ وحیدی مطلق، وحید و دیگران (۱۳۸۷) سناریو نگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها. تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی. فصل چهارم - بخش اول.
- لاری، رحیم، (۱۳۹۱)، نقش طوایف و مذاهب در تحولات ۱۸ ماهه سوریه، ماهنامه سیاسی تحلیلی بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۲، شهریور.
- لیندگرن، ماتس و یاندهولد، هانس (۱۳۸۶)، تدوین سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد، ترجمه عزیز تاتاری. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- لیب، عبدالساتر (۱۹۹۰)، «قصة الحصار»، دارالمشرق، بیروت.
- کریستین ساینس مونیتور، (۲۰۱۲)، گروه‌های پنج‌گانه دخیل در رویدادهای ۱۰ ژوئن - ساعت ۰۲:۱۶
- کتاب سبز سوریه، (۱۳۸۷)، انتشارات وزارت امور خارجه؛ تهران.
- متقی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، نقش و راهبرد آمریکا در گسترش نافرمانی مدنی در سوریه، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال سوم، شماره ۱۱.
- مرادیان، محسن، (۱۳۸۵)، برآورد استراتژیک ترکیه سرزمینی-دفاعی-اقتصادی - اجتماعی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- میشل، ریچارد، (۱۳۷۸)، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ترجمه: هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- نجات، سید علی؛ جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، زمستان ۱۳۹۲، سال سوم، شماره ۸.
- تاناک، (۱۳۹۱)، شورشیان مسلح سوریه، تاریخ انتشار: ۲۱ خرداد، ساعت ۱۲:۳۰ - کد خبر: ۲۵۰۲۰۳

– یزید، صایغ (۲۰۱۲)، ائتلاف ملی سوریه، اندیشکده کارنگی، آگوست.

ب – منابع انگلیسی

- Syria Gate - Ebla by: Carol Miller
- Amos yadlin, five years Back and five years forward: israel's strategic Environment in 2011- 2015 and policy Recommendations for 2016-2020available at: www.inss.org.il/uploadImages/systemFiles/Strategic%20Survey%202015-2016_Yadlin.pdf
- Accredited Adoption Agency Amarna
- Aaron David Miller, “Why Syria’s Rebels Can’t Have it All”, Foreign Policy, August 1, 2012, <http://www.foreignpolicy.com/articles/2012/08/01/>
- Amos yadlin, five years Back and five years forward: israel's strategic Environment in 2011- 2015 and policy Recommendations for 2016-2020available at: http://www.inss.org.il/uploadImages/systemFiles/Strategic%20Survey%202015-2016_Yadlin.pdf

ب – منابع اینترنتی

- <https://www.aparat.com/result/>
- A Wary Easter Weekend for Christians in Syria, The New York Times
- Creative Commons Attribution/Share-Alike
- <http://hananegroup.blogfa.com/post-1.aspx>
- Jordi Tejel, “Syria,s Kurds: Troubled Past, Uncertain Future, Carnegie Middle East Center”, October 16,2012 .
-) <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/1654/.aspx> (
- <http://www.military.ir/forums/topic/>
- <http://lahzehakhar.blogfa.com/post-2.aspx>
- <http://lahzehnama.ir/fa/news/14679/>
- <http://www.tabnak.ir/fa/news/264655/>
- http://www.diplomatie.gouv.fr/fr/IMG/pdf/III_-_Protmand_modifie_mandat.pdf
- <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=80410749>
- <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/1654/.aspx>
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930201000930>
- <http://arc.irib.ir/papers/item/87006-2014?tmpl=component&print=1>
- <http://iran-newspaper.com/Newspaper/MobileBlock?NewspaperBlockID=80477>
- <http://www.ghatreh.com/news/nn30954311/>
- <http://www.alquds.co.uk/?p=240870>
- <http://rfsmediaoffice.com/2015/06/16/14072/#.VZEmOVKxW8l>
- arsi.iranbriefing.net/?p=17424
- <http://www.al-akhbar.com/node/253811>
- <http://hournews.me/news-55113.htm>
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930512001178>
- <http://www.pana.ir/Pages/Printable-News-225085.aspx>
- Mari -Where History Began Before History
- Mari, Syria
- Rubin. James. P (2012), the real reason to intervene in syria, Foreign policy (FP), June 4, 2012.

- Rose implies this when he writes that “neoclassical realists occupy a middle ground between pure structural theorists and constructivists.” Rose, “Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy,” 152.
- Syria Gate - Ebla by: Carol Miller
- Syria funeral hit with teargas, protesters wounded: report". AFP. 19 March 2011. Archived from the original on 2013-10-13. Retrieved 19 March 2011 .
- Ternin, Dmiitri (2010), Russias policy in the Middle East: prospects for consensus and conflict with the united states", century foundation, website: www.tcf.org
- Ilhan Tanir, CMEC, 2013
-